

از خانه تا خانه

(دل نوشته‌های سفر حج)

ایرج عرب

رسانش - ۱۳۹۰

سرشناسه: عرب، ایرج، ۱۳۳۹-

عنوان و نام پدیدآور: از خانه تا خانه (دل نوشته‌های سفر حج) / ایرج عرب.

مشخصات نشر: تهران: رسانش، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۱۲۶ص.

شابک: ۳-۵۹-۵۰۱۱-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: حج -- خاطرات

موضوع: زیارتگاه‌های اسلامی -- عربستان سعودی -- مکه

موضوع: زیارتگاه‌های اسلامی -- عربستان سعودی -- مدینه

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۰ الف ۳۴ ع ۸ / BP ۱۸۸

رده‌بندی دیویی: ۲۹۷ / ۲۵۳

شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۶،۳۱۲



تهران - بهار شمالی - کوچه شکینا - نبش شرازی - پلاک ۷ - واحد ۲
تلفن: ۹۱۲۱۳۰۹۱۳۱ - تلفکس: ۷۷۵۳۰۵۳۶ - rasanesh.pub@gmail.com

از خانه تا خانه

(دل نوشته‌های سفر حج)

ایرج عرب

طرح جلد و صفحه‌آرایی: علیرضا علی‌نژاد

ناشر: نشر رسانش

لینوگرافی: فیلم گرافیک

چاپ: متین

صحافی: مؤمن

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

شابک: ۳-۵۹-۵۰۱۱-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

بخشی از عواید حاصل از فروش این کتاب در اختیار انجمن خیرین سلامت بیمارستان سوانح و سوختگی شهید زارع ساری قرار می‌گیرد.

۹	پیش گفتار.....
۱۱	چاووش سفر.....
۱۲	پرواز به سوی اوج.....
۱۵	فرود در جلد.....
۱۵	به سوی میقات.....
۱۸	تلاطم دریای انسانی بر گرد کعبه.....
۲۱	هروله در صفا و مروه.....
۲۲	پس از احرام.....
۲۳	در مقابل باب السلام.....
۲۶	تمرین پرواز.....
۲۸	عرفات، میقاتی دیگر.....
۳۳	احساس پرواز.....
۳۶	تجهیز برای مبارزه با شیطان.....
۳۷	یاد حسرت‌ها.....
۴۵	نقبی به سوی مفاهیم.....
۵۱	دعای عرفه، امام حسین (ع) و شیدایی.....
۵۷	و اینک عرفات؛ شهر بیداری.....
۶۸	بی‌رنگی عرفات.....
۷۴	به سوی مشعر، شهر شعور و منا شهر آرزو.....

۷۷	ستیز با شیطان
۷۹	قربانگاه
۸۰	تیغ بر زلف؟
۸۶	کنار مسجد حنیف
۸۷	وداع با منا؛ کوچ عاشقان
۹۰	و باز به سوی کعبه، طواف حج تمتع
۹۳	جشن غدیر، نوری در تاریکی
۹۳	تخریب جایگاه شيطان
۹۴	خیره به کعبه
۹۶	بازار مکاره
۹۸	حج عمره مفرده، به سوی مسجد تنعیم
۹۹	آرامگاه شهدای فح، سایه درخت طویی
۱۰۲	به سوی جبل النور و حرا
۱۰۷	زیارت دوره‌ای
۱۰۸	شب وداع
۱۱۴	پرواز به سوی مدینه
۱۲۵	بازدیدهای مدینه
۱۳۳	بازگشت

پیش‌گفتار

هیچ فکر نمی‌کردم روزی بتوانم دل‌نوشته‌ای را تألیف کنم، چه رسد به دل‌نوشته حج؛ اما چنین شد. علت‌های فراوانی دارد اما یک علتش را می‌گویم که شاید اصلی‌ترین آن باشد. سفر اولم بود. همراهانی داشتم عزیز؛ در چند جا مجبور شدم به علت ازدحام، یا حساسیت مکان، دست‌هایشان را در دست‌هایم بگیرم. آن‌هایی که این تجربه را دارند، می‌دانند وقتی تصویر کعبه لحظه به لحظه در مقابلت نمایان می‌شود، دل که می‌تپد هیچ، اشک می‌جوشد. در این بازار عشق می‌لرزی. در آن‌جا دست‌های مادر و همسرم در دست‌هایم بود؛ چپ و راست. حس کردم دست‌هایشان می‌لرزد. نگاهشان کردم، دیدگان هر دو پر از اشک بود. لرزش دست‌هایشان هر لحظه بیشتر می‌شد. آن‌جا با خودم عهد کردم، این لرزش دست‌ها و این رعشه‌های عاشقانه و این جوشش اشک‌ها را تبدیل به متن کنم. متن جان بگیرد و در دست‌های غریبه‌ای عاشقانه باز شود و با تجربه عاشقانه‌اش

بیامیزد و بداند که چگونه از خانه رفته است و چگونه باید به خانه برگردد. می‌دانستم، بسیاری از این تجربه عاشقانه و گاه عارفانه گفته‌اند و نوشته‌اند. گفتم اگر من هم بگویم و بنویسم کم که نمی‌آید هیچ، شاید دنیای جدیدی را باز کند، با عشقی جدید. با خود گفتم تمام داستان‌هایی را که می‌نویسی سر و کارش با انسان است و جامعه. باز هم بنویس دل را به دریا زدم. دل نوشته حاضر چکیده‌ای از دریایی شدن من است.

ایرج عرب

۱۳۸۵

www.ketab.ir